

مشورت در اسلام

واژه‌های «مشاوره» و «مشورت» از ماده «شور» به معنای استخراج رأی و نظر صحیح است. [۱] به این بیان که انسان در مواقعی که خود در باره کاری به رأی و نظر صحیح نرسیده، به دیگری مراجعه کند و از او نظر صحیح را بخواهد. و کلمه «شورا» به معنای آن پیشنهاد و کاری است که در باره‌اش مشاوره می‌شود. [۲]

مشورت در قرآن

«مشاوره» در اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد. قرآن کریم در آیاتی به این اهمیت می‌پردازد. آن‌جا که می‌فرماید: «وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ...»؛ [۳] و آنان که دعوت پروردگارشان را پاسخ می‌گویند و نماز می‌گزارند و کارشان بر پایه مشورت با یکدیگر است... .

با توجه به معنای مشاوره، معنای این آیه چنین می‌شود؛ مؤمنان کسانی هستند که برای هر کاری که می‌خواهند انجام دهند، در باره آن مشورت می‌کنند؛ برای به دست آوردن و استخراج رأی صحیح، دقت به عمل می‌آورند، و به این منظور به صاحبان عقل مراجعه می‌کنند.

براساس نظر برخی از مفسران کلمه «شورا» مصدر است، و معنای آیه چنین می‌شود؛ کار مؤمنان شورا در میان خودشان است. [۴]

این نکته قابل توجه است که طبق این معنا، مشورت یک برنامه مستمر در میان مؤمنان به حساب می‌آید، نه کاری زودگذر و موقت. قرآن می‌گوید همه کارهای آنها در میانشان با مشاوره است. جالب این‌که خود پیامبر اسلام (ص) با این‌که عقل کل بوده و با مبداء وحی ارتباط داشت، در مسائل مختلف اجتماعی و اجرایی؛ در جنگ و صلح و امور مهم جامعه، به مشورت با یاران می‌نشست، تا برای مردم الگو باشد؛ چرا که برکات مشورت از زیان‌های احتمالی آن به مراتب بیشتر است. حضرتشان بویژه برای رأی افراد تأثیرگذار ارزش خاصی قائل بود، تا آن‌جا که گاهی از رأی خود برای احترام آنها، صرفنظر می‌نمود، چنان‌که نمونه آن‌را در جنگ «احد» مشاهده کردیم.

بنابر این می‌توان گفت: یکی از عوامل موفقیت پیامبر (ص) در پیشبرد اهداف اسلامی همین موضوع بود.

قرآن کریم در آیه دیگر خطاب به پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید در کارهای مربوط به جامعه اسلامی با مردم مشورت کن، حتی کسانی که اشتباهاتی در گذشته داشتند آنها را مورد عفو قرار ده، برایشان درخواست بخشش کن و آنها را در کارها مورد مشورت خویش قرار ده: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ»؛ [۵] به (برکت) رحمت الهی، در برابر آنان [مردم] نرم (و مهربان) شدی! و اگر خشن و سنگ‌دل بودی، از اطراف تو، پراکنده می‌شدند. پس آنها را ببخش و برای آنها آموزش طلب کن! و در کارها، آنان را مورد مشورت قرار ده!

اصولاً مردمی که کارهای مهم خود را با مشورت و صلاح اندیشی یکدیگر انجام می‌دهند، و صاحب‌نظران آنها به مشورت می‌نشینند، کمتر گرفتار لغزش می‌شوند.

بر عکس افرادی که گرفتار استبداد رأی هستند و خود را بی‌نیاز از افکار دیگران می‌دانند- هر چند از نظر فکری فوق‌العاده باشند- غالباً گرفتار اشتباهات بزرگی می‌شوند. از این گذشته استبداد رأی، شخصیت مردم را از بین برده، افکار را متوقف می‌سازد، و استعدادهای آماده را نابود می‌کند، و به این ترتیب بزرگ‌ترین سرمایه‌های انسانی یک ملت از دست می‌رود.

به علاوه کسی که در انجام کارهای خود با دیگران مشورت می‌کند، اگر مواجه با پیروزی شود کمتر مورد حسد واقع می‌گردد؛ زیرا دیگران پیروزی وی را از خودشان می‌دانند و معمولاً انسان نسبت به کاری که خودش انجام داده حسد نمی‌ورزد و اگر احیاناً مواجه با شکست گردد، زبان اعتراض و ملامت و شامت مردم بر او بسته است؛ زیرا کسی به نتیجه کار خودش اعتراض نمی‌کند، نه تنها اعتراض نخواهد کرد، بلکه دلسوزی و غم‌خواری نیز می‌کند.

از یکی دیگر از فوائد مشورت این است که انسان ارزش شخصیت افراد و میزان دوستی و دشمنی آنها را با خود درک خواهد کرد و این شناسایی راه را برای پیروزی او هموار می‌کند و شاید مشورت‌های پیامبر(ص) با آن قدرت فکری و فوق‌العاده‌ای که در حضرتش وجود داشت، به دلیل مجموع این جهات بود.[۶]

بنابر این، از نگاه قرآن یکی از مهم‌ترین مسائل اجتماعی اصل «شورا» و «مشاوره» است که بدون آن، همه کارها ناقص است. یک انسان هر قدر از نظر فکری نیرومند باشد نسبت به مسائل مختلف تنها از یک یا چند بعد می‌نگرد؛ لذا ابعاد دیگر بر او مجهول می‌ماند، اما هنگامی که مسائل در شورا مطرح گردد و عقل‌ها و تجارب و دیدگاه‌های مختلف به کمک هم بشتابند، مسائل کاملاً پخته و کم‌عیب و نقص می‌گردد، و از لغزش دورتر است؛ از این رو پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: «ما من رجل یشاور أحداً إلا هدی إلى الرشده»؛[۷] هیچ‌کس در کارهای خود مشورت نمی‌کند، مگر این‌که به راه راست و مطلوب هدایت می‌شود.

مشورت در روایات

در روایات وارده از معصومان(ع) تأکید زیادی روی مشاوره شده است. در این مقال به تعدادی از آنها اشاره می‌شود:

۱. در حدیثی از پیامبر اکرم(ص) نقل شده است: «ما شقی عبد قطّ بمشورة و ما سعد باستغناء برأی».[۸] هیچ‌کس هرگز با مشورت بدبخت و با استبداد رأی، خوشبخت نشده است.

۲. همچنین حضرتش فرمود: «إِذَا كَانَ أَمْرًاؤُكُمْ خِيَارُكُمْ وَ أَعْنِيَاؤُكُمْ سَمَحَاءُكُمْ وَ أَمْرُكُمْ سُورَى بَيْنَكُمْ فَظَهَرُ الْأَرْضِ خَيْرٌ لَّكُمْ مِنْ بَطْنِهَا وَ إِذَا كَانَ أَمْرًاؤُكُمْ شِرَارُكُمْ وَ أَعْنِيَاؤُكُمْ بُخْلَاءُكُمْ وَ أُمُورُكُمْ إِلَى نِسَائِكُمْ فَبَطْنُ الْأَرْضِ خَيْرٌ لَّكُمْ مِنْ ظَهْرِهَا»؛[۹] هنگامی که زمام‌داران شما، نیکان شما باشند و توانگران شما سخاوتمندان و

کارهایتان به شورا انجام گیرد، در این هنگام روی زمین از زیر زمین برای شما بهتر است (یعنی شایسته حیات و زندگی هستید)، ولی اگر زمامداران تان، بدان، ثروتمندان و افراد بخیل باشند و در کارها مشورت نکنید، در این صورت زیر زمین از روی آن برای شما بهتر است.

۳. امام علی (ع) می‌فرماید: «مَنْ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ وَ مَنْ شَاوَرَ الرَّجَالَ شَارَكَهَا فِي عُقُولِهَا»؛ [۱۰] کسی که استبداد به رأی داشته باشد، هلاک می‌شود و کسی که با افراد بزرگ مشورت کند در عقل آنها شریک شده است.

۴. امام صادق (ع) فرمود: مشورت کردن با مردم خوب و اهل علم، مثل تفکر کردن در آفرینش آسمان‌ها و زمین و فناء آسمان و زمین است که چگونه هر کدام بی‌قید و ستون به جای خود ایستاده‌اند.

یعنی چنان‌که فکر کردن در اینها باعث شنا کردن در دریاهای نور معرفت الهی است، و موجب زیاد شدن یقین به وجود خالق حکیم می‌شود، همچنین مشورت کردن با مؤمنان هم، موجب حصول یقین در کارها و باعث برطرف شدن شک و تردید در شغل‌ها و عمل‌ها است. [۱۱]

ویژگی‌های مشاوران

امام صادق (ع) در باره شرایط و ویژگی‌های مشاوران فرمود: در کارهای خود - که از نظر دین نیز جایز باشد - با کسی مشورت کن که در او این ویژگی‌ها باشد.

۱. از عقل و اندیشه پاک و روشنی برخوردار باشد؛ یعنی کسی باشد که صلاح و فساد امور را می‌فهمد.

۲. دارای علم و دانش باشد.

۳. دارای تجربه باشد.

۴. در او روحیه خیرخواهی باشد؛ یعنی با خلوص نیت و صفای باطن در باره مسائل جامعه نظر دهد.

۵. با تقوا باشد؛ یعنی از محرمات و تمایلات نفسانی خودداری کند، صاحب تقوا و خویشتن‌دار باشد. [۱۲]

بدیهی است که با هر کس نمی‌توان مشاوره نمود، و هر فردی صلاحیت ندارد تا طرف مشورت قرار گیرد؛ زیرا گاه آنها نقاط ضعفی دارند که مشورت با آنها مایه بدبختی و عقب افتادگی است، چنان‌که علی (ع) در منشوری که برای مالک اشتر - هنگام نصبش به استانداری مصر - می‌نویسد، یاد آور می‌شود که در کارها و امور مربوط به اجتماع و مردم، از مشورت با سه طایفه پرهیز کن:

۱. افراد بخیل: «وَلَا تُدْخِلَنَّ فِي مَشُورَتِكَ بَخِيلًا يَعْدِلُ بِكَ عَنِ الْفَضْلِ وَ يَعِدُكَ الْفَقْرَ»؛ [۱۳] با افراد بخیل مشورت نکن؛ زیرا ترا از بخشش و کمک به دیگران باز می‌دارند و از فقر می‌ترسانند.

۲. افراد ترسو: «وَلَا جَبَانًا يُضْعِفُكَ عَنِ الْأُمُورِ» [۱۴] همچنین با افراد ترسو مشورت مکن؛ زیرا آنها ترا از انجام کارهای مهم باز می‌دارند.

۳. انسان‌های حریص و طماع: «وَلَا حَرِيصًا يُزَيِّنُ لَكَ الشَّرَّ بِالْجَوْرِ» [۱۵] نیز افراد حریص را مشاور انتخاب نکن که آنها برای جمع آوری ثروت و یا کسب و مقام، ستم‌گری را در نظر تو جلوه می‌دهند.

امام صادق (ع) می‌فرماید: «وَلَا تُشَاوِرْ مَنْ لَا يُصَدِّقُكَ عَقْلُكَ وَ إِنْ كَانَ مَشْهُورًا بِالْعَقْلِ وَالْوَرَعِ» [۱۶] با کسی که عقل و قلب تو نمی‌تواند او را تصدیق کند؛ مشورت مکن، اگر چه در میان مردم با عقل و هوش و پرهیزکار شناخته شود.

البته، امام صادق (ع) به این نکته توجه می‌دهد؛ چون با کسی که صلاحیت مشاوره دارد مشورت کردی؛ با نظرش مخالفت نکن، اگر چه بر خلاف نظر و رأی تو اظهار عقیده نماید؛ زیرا که نفس انسان از قبول حق خودداری می‌کند، و حاضر نیست حقیقت را بپذیرد؛ از این رو مخالفت کردن با نفس، در برابر مخالفت با حقایق بهتر است.

وظیفه مشاور

همان‌گونه دین اسلام در موضوع مشورت کردن تأکید زیادی نموده، به افرادی که مورد مشورت قرار می‌گیرند نیز تأکید کرده است، هنگامی که مورد مشورت قرار گرفتید از هیچ‌گونه خیرخواهی فروگذار نکنید که خیانت در مشورت، یکی از گناهان بزرگ محسوب می‌شود. این حکم حتی در باره غیر مسلمانان نیز ثابت است؛ یعنی اگر انسان، پیشنهاد مشورت را از غیر مسلمانی بپذیرد، حق ندارد در مشورت، نسبت به او خیانت کند و غیر از آنچه تشخیص می‌دهد به او اظهار نماید.

در رساله حقوق که از امام سجاد (ع) آمده است: «وَأَمَّا حَقُّ الْمُسْتَشِيرِ فَإِنْ عَلِمْتَ أَنَّ لَهُ رَأْيًا حَسَنًا أَشْرْتَ عَلَيْهِ وَ إِنْ لَمْ تَعْلَمْ لَهُ أَرشِدْتَهُ إِلَى مَنْ يَعْلَمُ وَ حَقُّ الْمُسِيرِ عَلَيْكَ أَنْ لَا تَتَّهِمَهُ فِيمَا لَا يُوَافِقُكَ مِنْ رَأْيِهِ» [۱۷] حق کسی که از تو مشورت می‌خواهد این است که اگر عقیده و نظر مناسبی داری در اختیار او بگذاری و اگر در باره آن کار، چیزی نمی‌دانی، او را به سمت کسی راهنمایی کنی که می‌داند، و اما کسی که مشاور تو است این حق را بر گردنت دارد تا در آنچه با تو موافق نیست، او را متهم نسازی.